جدال فمینیسم رمانتیک و فمینیسم اگزیستانسیالیست؛
تحلیل گفتمان فیلم «برخورد خیلی نزدیک»

حسن بشیر[1]، میثم قمشیان[2]

تاریخ دریافت:91/02/30 تاریخ تایید:91/6/2

چکیده

اصالت محوریت زندگی عادی و لذت بردن از آن و یا عدم اصیل شمردن آن و تصمیم بر مبارزه با خود و طبیعت وجه ممیزه‌ی دو مکتب فمینیستی رمانتیک و اگزیستانسیالیست است. فمینیسم رمانتیک با انتخاب مسیر «زنانه»ی مهربانی برای ایجاد تغییرات مد نظر خود در جهان، در عین مبارزه با آنچه که آن‌را زشتی و پلشتی می‌داند، به ادامه‌یافتن جریان حیات معتقد بوده و «لذت در حین ایجاد تغییر» را برای پیروان خود و همچنین برای ابژه‌ی تغییربعنی مردان به ارمغان می‌آورد اما فمینیسم اگزیستانسیالیست، لذت زندگی را از هم از زنان مبارزه‌گر و هم از ابژه‌های آن‌ها (مردان) می‌گیرد. فیلم «برخورد خیلی نزدیک»، دربردارنده‌ی دو نوع نگاه به ارتباط میان زنان و مردان است. دیدگاه «ناهید» دربردارنده‌ی ضدیت با مردان و دوری جستن از آنان است، حتی اگر این دوری جستن به عدم ارضای روانی خود او و ایجاد عقده‌های روانی در او بیانجامد. اما «نرگس» مشکلی با مردان نداشته و با شوهر خود روابط عاشقانه‌ای دارد. زندگی به تصویر کشیده شده برای نرگس، سراسر موفقیت و شادی؛ و برای ناهید سراسر شکست و اندوه است. فیلم درصدد ترویج این اندیشه است که راهبرد «ایجاد تغییر» در جهان که راهبرد فمینیسم رمانتیک است و با روش‌های نرم زنانه صورت می‌گیرد بهتر از راهبرد «مبارزه» است که در فمینیسم اگزیستانسیالیست دنبال می‌شود.

واژگان کلیدی: فمینیسم رمانتیک، فمینیسم اگزیستانسیالیست، زنانگی، روابط عاشقانه میان زن و شوهر، فیلم «برخورد خیلی نزدیک».

---

1. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع). Drhbashir100@gmail.com
2. دانشجوی دکترای سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم(ع). Meysamqom@yahoo.com

مقدمه

ظلم‌هایی که در طول تاریخ به زنان شد، سبب واکنش‌های متفاوتی در فعالان حقوق آنان شده است. برخی راه‌های مسالمت آمیز و حل مساله از طریق مذاکره با مردان و ساختارهای اجتماعی را پیشنهاد داده‌اند. برخی از این متفکران هم تغییراتی اساسی و «درانداختن طرحی نو» در مناسبات اجتماعی را راه حل مشکلات زنان دانسته‌اند. دریک طبقه بندی، این متفکران خود به دو دسته‌ی «نفیی» و «ایجابی» تقسیم می‌شوند. متفکران حوزه‌ی فمینیسم رمانتیک را می‌توان جزو دسته‌ی ایجابی‌ها دانست. چرا که برای حل مشکلات زنان و مشکلات انسان‌ها و در معنایی وسیع‌تر، مشکلات جهان، «ترویج» زنانگی را پیشنهاد می‌کنند. ترویج یک مقوله مستلزم اصیل دانستن آن است. به همین دلیل هم فمینیست‌های رمانتیک، زنانگی را اصیل و ذاتی وجود زنان می‌دانند. در مقابل این اندیشه هم فمینیسم اگزیستانسیالیست قرار می‌گیرد که زنانگی را برساخته‌ای اجتماعی و در راستای تأمین منافع نظام مردسالار می‌داند. لذا در این مکتب علاوه بر آنکه مردان بداند، زنانگی زنان هم به این دلیل که سبب انقیاد آن‌ها شده است، مضر تلقی می‌شود (پاک نیا و مردیها، 1388: 123). پس در این صورت زنان هم باید با مردان مبارزه کنند و هم با زنانگی خودشان؛ و این امر، امری غیرواقع بینانه و در بهترین حالت، شعاری است.

طرح مسأله

اختلاف نظر برخورد با مردان در اندیشه‌های فمینیستی، به اقشار عادی جامعه نیز کشیده شده است. البته بیشتر برخوردهای عامه‌ی جامعه بدون اطلاع از مبادی معرفتی این رفتارها است لیکن ریشه‌ی هر برخورد در مبادی معرفتی خاص آن نهفته است. خواه عامل به آن، به این ریشه‌ها آگاه باشدیا خیر.

این برخوردها و موضع‌گیری‌های نسبت به آن در انواع متون رسانه‌ای از جمله فیلم‌های سینمایی نفوذ پیدا کرده است. به همین دلیل هم تحلیل چنین متونی می‌تواند گزارشی از اندیشه‌های موجود در جامعه و انتقادات، تأییدات یا موضع گیری‌های نسبت به آن‌ها را ارائه دهد.

مورد مطالعاتی این مقاله (فیلم برخورد خیلی نزدیک) نیز با اشاره با برخورد رادیکالی برخی زنان با مردان در صدد نقد این اندیشه برآمده است. در فیلم هیچ اشاره‌ای به اگزیستانسیالیسم‌یا رمانتیسیسم نشده است ولی شخص آگاه نسبت به این دو نظریه، هنگام مشاهده‌ی فیلم، نمادهای این اندیشه را در فیلم به وضوح تشخیص می‌دهد. بنابراین این پژوهش درصدد است

تا موضع فیلم نسبت به دو نوع برخورد زنانه با مردان را در جامعه کشف نماید.

فیلم «برخورد خیلی نزدیک»: عرصه‌ی جدال دو نحله‌ی فمینیستی

فیلم «برخورد خیلی نزدیک» به نویسندگی و کارگردانی اسماعیل میهن دوست و با بازی آنا نعمتی، لادن مستوفی، حمیدرضا پگاه و سروش صحت در نیمه‌ی نخست سال 1390 وارد شبکه‌ی سینمای خانگی شد. داستان فیلم ماجرای دو زن است که از کودکی تا بزرگسالی با هم بزرگ شده‌اند. ناهید به کانادا رفته ولی نرگس در ایران شوهر کرده است. ناهید در خارج نامزد کرده و در آنجا متوجه ناپاک دامنی شوهرش می‌شود. به همین دلیل هم دچار شکست عشقی شده و تمامی مردان را ناپاک و ناپاکی را نیز ذاتی وجود مردان می‌داند. نرگس هم در ایران شوهر کرده و از زندگی و شوهر خود راضی است. نرگس با شوهرش مسعود زندگی عاشقانه‌ای دارد. به همین دلیل هم با عقیده‌ی ناهید مبنی بر ناپاک بودن مردان مخالف است. اگر هم بخواهد به خاطر تعارف و دوستی ایده‌ی ناهید را تایید کند، شوهرش مسعود را در این میان یک استثناء می‌داند.

تضاد دو عقیده‌ی ناهید و نرگس درباره‌ی مردان؛ و همچنین داشتن‌یا نداشتن روابط عاشقانه با آنان، این دو را به ایجادیک مسابقه ترغیب می‌کند. ناهید در این مسابقه سعی می‌کند تا برای نرگس اثبات کند مسعود حسب مردبودنش ناپاک دامن است. نرگس هم سعی دارد تا پاک دامنی شوهرش را برای ناهید به اثبات رساند.

ناهید در ابتدا به ناپاکی تمامی مردها معتقد است اما هنگامی که پاکی مسعود را می‌بیند، برای این که در مسابقه به نرگس نبازد، سعی می‌کند خود، مسعود را به خیانت کشاند. به همین دلیل هم سعی می‌کند به نحوی در دل مسعود جا باز کند تا لااقل از این طریق مسابقه را برده و ناپاکی مسعود را برای نرگس اثبات کرده باشد. برای این کار سعی می‌کند در دل مسعود نفوذ کرده تا به نوعی ناپاک قلبی در مسعود به وجود آورده و به این ترتیب هم این ایده‌ی خود را که «*همه‌ی مردها مثل همند*» را تحکیم کند و هم در مسابقه‌اش با نرگس پیروز شود. اما مسعود با او همراه نمی‌شود و در ادامه متوجه می‌شود که تمامی این کارها، یک بازی میان دو زن است. به همین دلیل هم عصبانی شده و تصمیم می‌گیرد این دو را بازی دهد. در نتیجه در غیاب همسرش، نرگس، خود را عاشق ناهید جلوه می‌دهد. ناهید هم تحت تأثیر این کار قرار می‌گیرد و دچار ناهماهنگی روانی می‌شود. به این معنا که از طرفی از مردها متنفر است و از طرف دیگر احساس «عشق» را دوباره در خود می‌یابد.[1]

---

1. احساسات متناقض ناهید شاید بیانگر این است که زنان نمی‌توانند از مردان و عشق به آن‌ها خود را جدا کنند، عشق در زن، نیازی در وجود او است و مبارزه با آن، تهدیدی برای سلامت روانی او به شمار می‌آید.

پس از آنکه نرگس متوجه می‌شود سوء تفاهمات پیش آمده میان او و همسرش به دلیل شیطنت‌های ناهید بوده است، در صدد انتقام‌گیری از او بر می‌آید. در نهایت هم بایک تصادف ساختگی او را روانه‌ی بیمارستان می‌کند.

مبانی نظری

همانگونه که از عنوان مقاله نیز برداشت می‌شود، مباحث مطروحه در فیلم «برخورد خیلی نزدیک» حول دو اندیشه‌ی فمینیستی «رمانتیک» و «اگزیستانسیالیست» است. به همین دلیل مبانی نظری این نوشته را هم آشنایی با اندیشه‌های این دو مکتب فمینیستی تشکیل می‌دهد.

فمینیسم رمانتیک

فمینیسم رمانتیک از دستاوردهای مکتب رمانتیسیسم بود. جنبش رمانتیک علاوه بر تأثیری که بر ادبیات و هنر داشت، بر جنبش زنان هم مؤثر افتاد. رمانتیسیسم اصالتا به تنوع و تفاوت‌های جنسیتی ارزش مثبت می‌نهد (روسکلی و رونالد، 1998: 67). لذا طبیعی خواهد بود که فمینیسمی که از رمانتیسیسم الهام گرفته نیز به تفاوت‌های میان زنان و مردان با احترام نگاه کند.

در مقابل لیبرال فمینیست‌ها، که مدعی تساوی عقل زنان و مردان بودند، «*فمینیست‌های رمانتیک بر برتری قدرت و کارآمدی «احساسات زنانه» تأکید کردند؛ به جای متمرکز شدن بر جنبه‌های عقلانی زندگی، وجوه عاطفی آن را مورد تأمل بیشتر قرار دادند؛ و بر همین اساس به جای تأکید بر تساوی زن و مرد، تفاوت و گاه برتری زنان نسبت به مردان را مورد بررسی قرار دادند*» (پاک نیا و مردیها،1388: 65).

این موضع فمینیست‌های رمانتیک، بیانگر اعتقاد آن‌ها به حقیقی بودن ارتباط جنس و جنسیت، در مقابل برساخته دانستن آن توسط فمینیسم لیبرال بوده و نقطه‌ی آغاز اختلاف این دو نحله‌ی فمینیستی است.

فمینیست‌های رمانتیک، با پذیرفتن تفاوت‌های بین دو جنس، بر والا بودن احساسات زنانه بر عقل مردانه تاکید می‌ورزیدند. آن‌ها همانند اندیشمندان مکتب رمانتیک بازگشتن به وجوهی از گذشته را راه حل مشکلات زنان و بلکه جهان مدرن می‌دانستند.

«عقلانیت» زنانه در فمینیسم رمانتیک

فمینیسم رمانتیک معتقد به ضرورت تغییرات بنیادی در جهان است. برای همین هم ضرورت دارد زنان به مدارج بالای مدیریتی جامعه دست پیدا کنند، البته نه با توجیه دیگر نحله‌های فمینیستی نظیر فمینیست‌های لیبرال بلکه بنا بر ضرورتی که در فمینیسم رمانتیک از آن با عنوان «زنانه کردن فرهنگ»یاد می‌شود (پاک نیا و مردیها،1388: 66).

فمینیسم رمانتیک بیشتر از دیگر مکاتب فمینیستی به «زنانگی» اهمیت می‌دهد. برای دست‌یافتن به این فرهنگ زنانه، باید مسلح به ابزار «عقل زنانه» باشیم. پس زنان قدرت عقلانی کمتری از مردان ندارند، بلکه نحوه‌ی تعقل آن‌ها با مردان متفاوت است.

آمیختگی دریافت‌های عقلانی زنان با عواطف و احساسات و نزدیکی آن با حس ششم از جمله‌ی ویژگی‌های این نوع عقلانیت است که معمولا به دلیل عدم وجود همدلی مردان و نظام مردانه با آنان، با بدفهمی مواجه می‌شود و غیرعلمی تلقی می‌شود.

«زنانگی» و «مردانگی» در اندیشه‌ی فمینیسم رمانتیک

همانگونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، وجه تمایز رمانتیک‌ها با لیبرال‌ها علاوه بر طبیعی دانستن‌یا ندانستن تفاوت‌های زن و مرد، در ارزش‌گذاری این تفاوت‌ها نیز بود. پیش فرض اندیشه‌ها و اعمال لیبرال‌ها منفی دانستن و کم ارزش تلقی کردن «زنانگی» نسبت به «مردانگی» بود؛ اما رمانتیک‌ها، با بالاتر دانستن ارزش‌ها و احساساتی که آن‌ها را «زنانه» می‌خواندند، بر طبیعی بودن این تفاوت‌ها صحه می‌گذاشتند. بنا به تعریف « *زنانگی*[1] *عینی جذاب بودن، متفاوت بودن، پرخاشگر نبودن، عاطفی بودن، پرورنده بودن، نگران مردم و اهل برقراری ارتباط با آن‌ها بودن است*» (وود، 1994: 21).

تمرکز بر همین ویژگی‌های کلی ما را به ویژگی‌های جزئی‌تری رهنمون می‌کند. ویژگی‌هایی چون مهربانی، لطافت در برخورد، تفسیرگرایی[2]، همدلی[3] و ... ویژگی‌هایی زنانه‌اند که حالات نرمی و انعطاف‌پذیری و دارای انحنا را به ذهن متبادر می‌کنند. همچنین ویژگی‌هایی چون جانبداری عاطفی در مقابل بی‌طرفی، توجه به جزئیات در مقابل تعمیم و وابستگی در مقابل استقلال از جمله ویژگی‌های زنانه‌اند (باقری،1382: 56). ون زونن هم زنانگی را همراه با عطوفت، سنجیدگی، همکاری، حس جمعی، سازگاری و ... و مردانگی را نیز همراه با منطق، کارآمدی، رقابت و فردگرایی عجین می‌داند که در مقابل هم قرار دارند (ون زونن، 1383: 163).

فمینیسم اگزیستانسیالیست

یکی از مؤلفه‌های اندیشه‌ی اگزیستانسیالیسم که بر نسخه‌ی فمینیستی این مکتب هم تأثیر گذاشت، اندیشه‌ی آزادی بود. آزادی از تعاریفی پیشینی که برای انسان گذاشته شده است. از جمله‌ی این تعاریف، مرد تلقی کردن انسان است. تعریفی که فمینیسم لیبرال هم به نوعی آن

1. Femininity

2. نحله‌ای از جامعه شناسی که در مقابل عوامل‌گرایی قرار دارد. برای اطلاعات بیشتر رک ابوالحسن تنهایی، حسین (1383) ، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات مرندیز.

3. Empathy

را پذیرفت و در تقویت این اندیشه نیز نقش فراوانی داشت. مرد بودن به این معنا که تعاریفی که از انسان ارائه شده است همگی بر اساس ویژگی‌های مردانه بوده و زنان هم اگر می‌خواهند که انسان شمرده شوند باید ویژگی‌های مردانه را کسب کنند. فمینیسم رمانتیک و پس از آن هم فمینیسم اگزیستانسیالیست با انتقاد به فمینیسم لیبرال برای مقابله با این تعریف از انسان بوجود آمدند.

سیمون دوبوار، مهمترین اندیشمند فمینیسم اگزیستانسیالیست، معتقد است که در فرهنگ مسلط، آنچه اصالت دارد، «مرد» است و زن به عنوان «دیگری»یا «جنس دوم» شمرده می‌شود. به همین دلیل هم شخصیت زن در اجتماع، متناسب با حقیقت وجودی او نیست و تنها برساخته‌ای اجتماعی در فضایی مردسالار است. دوبوار در این باره می‌گوید «*کسی زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود*» (دوبوار،1380: 13).

روابط و نقش‌های جنسیتی از منظر فمینیسم اگزیستانسیالیست

فمینیسم اگزیستانسیالیست در نتیجه‌ی تقابل با طبیعت و نظام اجتماعی حاکم، به رادیکالیسم می‌انجامد. همچنین به دلیل تأکید زیاد بر الگوی «خود - دیگری» و نیز به دلیل استقلال طلبی، تضاد با مردان را به عنوان راهبرد خود معرفی می‌کند. اتکینسون، حلقه‌ی واسط میان فمینیسم اگزیستانسیالیست و فمینیسم رادیکال،

«روابط نر- ماده را به عنوان مثال آسیب شناسی شکل‌گیری هویت تحت فرمان دیگری مطرح می‌کند. او ریشه‌های انقیاد زنان را در روان شناسی هویت مردانه جست و جو می‌کند و با تکیه بر مبانی اگزیستانسیالیستی، معتقد است که هویت مذکر از طریق نوعی آدم خواری متافیزیکی صورت می‌گیرد. از آنجا که انسان‌ها خود را ناقص احساس می‌کنند و از درون خود بریده شده‌اند و دیگران را به عنوان اصیل و کامل تلقی می‌کنند، مردان جوهر زیر طبقه‌ی انسانی‌یعنی زنان را تصاحب می‌کنند تا اضطراب خود را تخفیف دهند، یعنی امنیت روانی مذکر به هزینه‌ی زنان فراهم می‌شود» (اتکینسون، 1974: 79به نقل از پاک نیا و مردیها،1388: 123-124).

اما در چنین شرایطی روابط عاشقانه‌ی میان زنان و مردان به چه نحوی تحلیل می‌شود؟

اتکینسون در پاسخ به این سوال می‌گوید:

«*پدیده‌ی عشق از منظر روان شناختی متکی به آزار زن است؛ زن به عشق به عنوان ابزاری روان‌شناختی نگاه می‌کند که به کمک آن سپری دفاعی در مقابل فضای سلطه و ناامیدی می‌سازد. زنان جدا افتاده از هم و قربانی ستمگر مشترک خود و ناامید از کمک، ناگزیر به وضعیتی فانتزی روی می‌آورند که از نظر روانی نوعی آسیب‌یا بیماری است؛ چون هم از خود و هم از رابطه‌ای که با ضد طبقه‌ی خود برقرار می‌کنند، تصویری تخیلی دارند... عشق تلاش مفلوکانه وگمراه زن است برای این که به انسانیت برسد*» (اتکینسون، 1974: 80 به نقل از پاک نیا و مردیها، 1388: 124).

خانواده و ازدواج از منظر فمینیسم اگزیستانسیالیست

دورانت و دورانت با ذکر سندی نظر نهایی دوبوار، مهمترین اندیشمند فمینیسم اگزیستانسیالیست را درباره‌ی ازدواج این چنین بیان می‌کنند: «*ازدواج کشنده‌ی عشق است. زن شوهردار که همه روزه تحقیر می‌شود و شدیدا مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌تواند جاذبه‌ی جنسی خود را حفظ کند.*» در نتیجه «*زناکاری فقط با از بین رفتن ازدواج از بین خواهد رفت.*»یا در جای دیگر می‌گوید «*سرنوشت معمولی زنان ازدواج است که هنوز هم عملا، به معنی تحت انقیاد مرد درآمدن است*» (دورانت و دورانت، 1385: 305-306).

از منظر فمینیسم اگزیستانسیالیست، ازدواج نهادی اقتصادی و جنسی است تا از طریق آن منافع جامعه حفظ شود. این نهاد مستلزم تامین شادی زن و مرد نیست چرا که سریعا به مجرایی برای ایجاد رابطه‌ی دو طرفه‌ی حق و تکلیف تبدیل می‌شود و از طریق آن زن در قفس خانه گرفتار می‌آید (موهان، 1979: 129).

همچنین در فمینیسم اگزیستانسیالیست، تعابیری فوق العاده منفی علیه خانه و کار زنان در آن به کار رفته است. (موهان،1979: 134).

تأمین روانی زن در فمینیسم اگزیستانسیالیست

در صورت عمل زنان به توصیه‌های فمینیسم اگزیستانسیالیست برای مبارزه با طبیعت زنانه‌شان، احتمالا آنان از نظر روانی تأمین نخواهند شد. مثلا زنی که از داشتن فرزند خود را محروم کرده باشد، در ادامه‌ی زندگی‌اش دچار مشکلاتی چون افسردگی و عدم رضایت از زندگی می‌شود. نمونه‌ی چنین زنی، خود دوبوار است. (دورانت و دورانت، 1385: 306) (وبوکیما و درتوین، 2009: 1-2).

نمادهای فیلم

عباراتی مثل «*اون‌هم مثل بقیه‌ی مردا.*»، «*حالم از هر چی مرده به هم می‌خوره.*»، «*تو مردا رو نمی‌شناسی*»، «*ببخشید فرق مسعود با مردای دیگه چیه؟*» و مطالبی از این قبیل در کلام ناهید، یادآور آموزه‌های فمینیسم اگزیستانسیالیست است و به همین دلیل هم ناهید را نماد زن فمینیسم اگزیستانسیالیست در فیلم می‌دانیم.

از طرفی رفتارهای عاشقانه‌ی نرگس نسبت به مسعود و رسیدگی‌هایش نسبت به او، رفتارهای زنانه که گاه با بچگی و لوس کردن خود برای مسعود توأم می‌شود، تغییر لحن کلام و بیان به صورت زنانه و عاشقانه، دلتنگی برای شوهر و بیان عبارات عاشقانه نظیر «*او (مسعود) عاشق من است*»، «*تو منو دوست داری؟ (خطاب به مسعود)*» و به طور کلی غرق شدن نرگس در شوهریادآور آموزه‌های فمینیسم رمانتیک و نقدهای فمینیسم اگزیستانسیالیست به آن است. به همین دلیل

هم مسابقه‌ی میان این دو (ناهید و نرگس) را می‌توان به جدال میان فمینیسم رمانتیک و اگزیستانسیالیست تفسیر کرد.

روش پژوهش

روش تحلیلی ما برای این فیلم، روش «تحلیل گفتمان» است. اگرچه تاکنون درباره‌ی گفتمان و نسبت آن با متن سخنان فراوانی به میان آمده است ولی درباره‌ی روش «تحلیل گفتمان» هنوز روش مورد وفاقی وجود ندارد و روش‌های گوناگونی به تحلیل‌گران گفتمان پیشنهاد می‌شود.

روش تحلیل گفتمان مورد استفاده در این نوشتار، «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» (پدام)[1] است که در مقالات و پژوهش‌های گوناگونی اعتبار آن به اثبات رسیده است.[2]

این روش شامل پنج سطح تحلیلی است. این سطوح عبارتند از: سطح- سطح، سطح- عمق، عمق- سطح، عمق- عمق (عمیق) و عمیق‌تر. هر سطح دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه تشریح می‌شوند.

بر دو سطح اول (سطح- سطح) و دوم (سطح- عمق) نوعی از توصیف حاکم است.

سطح اول (سطح- سطح) با نام «برداشت از اصل متن» در صدد کشف کلمات و جملاتی است که در متن دارای بار معنایی خاص در راستای اهداف تحقیق باشند. این برداشت،یک انتخاب آگاهانه است که کلیه‌ی جملات مرتبط با هدف تحقیق را گزینش و برای انجام مراحل بعدی در ستون اول تحلیل در روش پدام درج می‌نماید.

این سطح از تحلیل، سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین بخش تحلیل گفتمان است و مهمترین ویژگی آن در مورد تحلیلی ما، فیلم «برخورد خیلی نزدیک»، تشخیص دیالوگ‌ها یا صحنه‌هایی است که دارای زمینه‌ی جنسیتی هستند. به همین دلیل هم نفس تشخیص این ویژگی در دیالوگ‌ها و صحنه‌ها، نوعی تحلیل از فیلم است و در مرحله‌ی اول تحلیل قرار می‌گیرد.

سطح دوم تحلیل در این روش، «جهت‌گیری و گرایش متن» نامیده می‌شود. در اینجا معانی جملات نه تنها در قالب کلمات و معناهای صریح و ضمنی آن‌ها به شکل انفرادی و ترکیبی مورد توجه قرار می‌گیرند که فراتر از آن به جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های گوناگون جملات و در نهایت خود متن، نسبت به مسائل مختلف اما مرتبط با موضوع تحقیق نیز توجه می‌شود.

ستون دوم جدول پدام، جهت‌گیری‌ها و گرایش‌ها را نشان می‌دهد. در اینجا و در راستای مورد این پژوهش، معنایی که تحلیل‌گر ازیک فراز فیلم به جهت داشتن مضامین جنسیتی برداشت

---

1. Practical Discourse Analysis Method (PDAM)

2. از جمله‌ی این پژوهش‌ها می‌توان به بشیر (1388)، بلاش آبادی (1388)، طاهری (1389) و قمشیان (1390) اشاره کرد.

کرده، آمده است. این ستون، دلیل انتخاب تحلیل‌گر را برای خواننده‌ی متن روشن می‌کند و معنای آن دیالوگ‌یا حرکت خاص را در ادبیات جنسیت تبیین می‌نماید.

سطح سوم تحلیل با روش «پدام»، سطحی نیمه عمیق از تحلیل است که آغاز ورود به مباحثی است که در مبانی نظری این تحقیق بدان‌ها اشاره شده است و ذیل ستونی با نام «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن» آمده است. تحلیل در این مرحله، به سطح نهایی خود نمی‌رسد و ارتباط با دیگر سلول‌های جدول در آن مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

آنچه از این سطح تحلیل بدست می‌آید، تشریح بافتی[1] است که دیالوگ‌یا حرکت در آن صورت گرفته است و فضای آن فراز از فیلم را که به لحاظ جنسیتی برای مخاطب به تصویر کشیده شده است و معنایی که را که توسط تحلیل‌گر از آن فراز در حوزه‌ی جنسیت برداشت شده است، تبیین می‌کند. در این مرحله، تحلیل‌گر در صدد کشف رابطه‌ی متن با زمینه‌ی خلق متن و بینامتنیت‌های مورد استفاده‌ی پدیدآورنده‌ی متن است.

سطح چهارم تحلیل در این روش «عمق- عمق» است. این مرحله، مرحله‌ی خروج از ساختار ظاهری متن و توجه به فرامتن‌های مرتبط با متن است. در این مرحله تلاش می‌شود میان متن، زمینه و فرامتن‌های مرتبط با متن پلی ایجاد شده و «معانی» نهفته‌ی متن، خود را هویدا کند. مقایسه‌ی سلول‌های جدول با هم و استنتاج از آن‌ها در این مرحله صورت می‌گیرد. این سطح، «سطح عمیق» تحلیل گفتمان به روش پدام است.

سطح بعدی تحلیل گفتمان، سطح «عمیق‌تر» نام دارد که به بررسی گفتمان‌های اجتماعی حاکم بر فیلم برای تولید معانی آن می‌پردازد و به نوعی خروج از تحلیل فیلم به شمار آمده و در صدد تحلیل ساختارهای اجتماعی مشرف بر آن و مقایسه‌ی گفتمان‌های مختلف اجتماعی است. در این مرحله «متن، بینامتنیت و فرامتن»، همزمان مورد توجه قرار گرفته و تحلیل نهایی ارائه می‌شود. مقایسه‌ی گفتمان‌های مختلف اجتماعی، کشف نقاط قوت و ضعف هر کدام از این گفتمان‌ها و در نهایت هم اختیار گفتمان برتر یا عناصر برتر گفتمانی در این مرحله صورت می‌گیرد.

در اینجا مفسریا تحلیل‌گر حضور کامل و تام داشته و قرائت نهایی او صورت می‌گیرد که با استفاده از متن، زمینه، بینامتنیت‌های پدیدآورنده و تحلیل‌گر، فرامتن‌های متن اصلی با گرایش پدیدآورنده و فرامتن‌های احتمالی متن با گرایش تحلیل‌گر مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل اساسی صورت می‌گیرد. اینجا است که نوعی از جمع‌بندی در شکل خط مشی یا رویکردهای خیلی کلان به وجود می‌آید. بدین ترتیب در این مرحله است که کار تئوریک جدیدی صورت

1. Contextual

می‌گیرد. یعنی در این گونه از تحلیل گفتمان، اگر چه از تحلیل‌یک مورد استفاده می‌شود اما تحلیل این مورد، به تنهایی هدف نبوده و نیل به نظریات جدید، هدف این روش است. در نتیجه غایت روش پدام، نه تنها تحلیل متون، که تولید نظراتی جدید در حوزه‌های گفتمانی دانش خواهد بود.

بدیهی است که اگرچه برای ساده سازی عملیات در روش پدام، برای درج مطالب مختلف از ستون‌ها استفاده شده است اما به دلیل تشریحی بودن مراحل چهارم و پنجم، درج مطالب و تحلیل‌های مربوط به آن‌ها در جدول ضروری نیست اما برای درک آسان‌تر سه سطح اول که بیانگر مراحل اولیه تعامل با متن و حرکت تحلیل‌گر برای انتخاب، تعیین گرایش و توجیه جهت‌گیری‌ها است، به جدول نیاز است.

تحلیل فیلم

همانگونه که پیشتر نیز ذکر آن رفت، در ستون «برداشت از اصل متن»، سطح اول تحلیل گفتمان را شامل شده و دربرگیرنده‌ی دیالوگ‌ها یا صحنه‌هایی از فیلم است که دارای جهت‌گیری جنسیتی است.

«جهت‌گیری و گرایش متن»، معنای دیالوگ یا صحنه را به لحاظ جنسیتی تبیین کرده و به نوعی توجیه چرایی انتخاب این صحنه‌یا دیالوگ در تحلیل جنسیتی است.

ستون «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن» هم تعمیم یک صحنه به کل بافت اجتماعی و معادل سطح سوم تحلیل گفتمان است

جدول شماره 1: سه ستون تحلیلی اول بر پایه روش پدام

ردیف	برداشت از اصل متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
1.	ناهید و نرگس از شمال بر می‌گردند تا ببینند مسعود به نرگس خیانت کرده است‌یا نه. هنگامی متوجه می‌شوند زنی در خانه، کنار مسعود نیست ناهید بهانه می‌گیرد که شاید ابتدای شب زنی بوده و حالا که نیمه شب است رفته است. نرگس به او می‌گوید «*دیگه داری جر می‌زنی*». ناهید هم در جواب می‌گوید: «*تو مردا رو نمی‌شناسی هالو اینقدر از مسعود تعریف می‌کنی که من در مردانگیش هم شک می‌کنم! اصلا از کجا معلوم...؟*»	ناهید نسبت به مردان بدبین است. از نظر ناهید، اگر مردی از نظر جسمی و جنسی سالم باشد، نمی‌تواند شبی را بدون سکس بگذراند و به همین دلیل هم یا در ابتدای شب با زنی غریبه رابطه‌ی جنسی برقرار کرده است و یا از نظر جنسی در سلامت کامل به سر نمی‌برد.	در نظرگاه فمینیسم اگزیستانسیالیست، آلودگی جنسی، اقتضای وضعیت جسمانی مردان است. زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست نسبت به مردان سوء ظن (مقوله‌ای غیراخلاقی) دارند.
2.	برای رفتن نرگس به همراه ناهید به شمال،	ناهید نسبت به مردان بد بین	در نظرگاه اندیشه‌ی

	میان او و شوهرش اختلاف سلیقه‌ی کوچکی بوجود می‌آید. نرگس در شمال، نگران شوهرش است. به همین دلیل هم با او تماس می‌گیرد ولی مسعود جواب نمی‌دهد. ناهید می‌گوید: «*شاید سرش گرمه، داره بهش خوش میگذره. وقتشو نداره که بهت جواب بده.*» نرگس: «*برو بابا.*» ناهید: «*چرا که نه؟ مرد خوش تیپی که زنش رفته مسافرت. خونه خالی، (با کنایه می‌گوید): بعد هم وضع مالیش که به همت خانم خونه دارش بد نیست.*» نرگس: «*چرند نگو.*» ناهید: «*ببخشید فرق ایشون با مردای دیگه چیه؟*» نرگس: «*اون عاشق منه.*» ناهید: «*با تمسخر می‌خندد*» نرگس: «*اون بدون من می‌میره.*» ناهید: «*هیچوقت بزرگ نمی‌شی عزیزم.*» نرگس: «*شرط ببندیم؟*» ناهید: «*شرط چی؟*» نرگس: «*شرط این که مسعود منو می‌خواد.*» ناهید: «*مگه من گفتم نمی‌خواد؟*» نرگس: «*که اهل این حرفا نیست.*» ناهید: «*بی‌خیال. پشیمون می‌شی ها!*»	است. نرگس از عشق میان خود و شوهرش سخن می‌گوید و به شدت درگیر عشق به همسر است.	فمینیسم اگزیستانسیالیست، مردان، همه آلوده‌اند ولی زنان فمینیسم رمانتیک، با عشق به همسرانشان زندگی می‌کنند و از عشق همسرانشان به خود، پاکی آن‌ها را نتیجه می‌گیرند. زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست نسبت به مردان سوء ظن (مقوله‌ای غیراخلاقی) دارند.
3.	نرگس به بهانه‌ی غافلگیرکردن مسعود، ناهید را متقاعد می‌کند به تهران برگردند و شب را با شوهرش بگذراند.	نرگس، تحمل دوری شوهرش را نداشته و به بهانه‌ای به تهران باز می‌گردد.	زنان فمینیسم رمانتیک، تاب دوری از شوهر را ندارند.
4.	ناهید درباره‌ی نرگس با خود سخن می‌گوید: «*با سادگی تمام معتقده که شوهرش یه استثناست. دلم براش می‌سوزه! مخصوصا به خاطر خوش خیالیش. نرگس هیچ فرقی نکرده، خوشگل و مهربون، ساده و صمیمی. اما مثل اون وقتا از نوک دماغش بیشتر نمی‌بینه.*»	از نظر ناهید، اعتماد به شوهر، یک خوش خیالی است. زیبایی، مهربانی، سادگی و صمیمیت چیزهایی هستند که نرگس دارد ولی ناهید متوجه است که ندارد.	ویژگی‌های زنانه یاد شده در زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست در نهایت در آن‌ها باقی می‌ماند.
5.	نرگس خطاب به ناهید: «*اعتراف کن که در مسابقه شکست خورده‌ای. (مسعود خطاکار نیست)*» ناهید: «*جوجه رو آخر پائیز می‌شمارند خانم کوچولو. شیطنت جزو خصلت مردان است. با طبیعت که*	ناهید هنوز به خطاکردن مسعود امید دارد.	خطاکاری مردان، ذاتی وجود آنان است (در اندیشه‌ی اگزیستانسیالیستی).

	نمی‌توان مبارزه کرد.»		
6.	ناهید برای تهیه‌ی بلیط بازگشت به خارج، به‌یک آژانس مسافرتی می‌رود. مردی سعی می‌کند با او ارتباط برقرار کند. ناهید موضع گرفته و علی رغم عجله برای بازگشت، هنگامی که احتمال سوء استفاده می‌دهد، پروازش را به تاخیر می‌اندازد.	مردان در نظر ناهید، قصد سوء استفاده از او را دارند. به همین دلیل هم ناهید از آن‌ها دوری می‌گزینند. زنانگی ناهید سبب دوری جستن او از این مرد مساله‌دار می‌شود.	علت اصلی انگیزه‌های اگزیستانسیالیستی در زنان، سوء استفاده‌های مردان از آنان است.
7.	هنگامی که ناهید در آژانس مسافرتی است، مسعود را در خیابان می‌بیند که در اتومبیل نشسته و منتظر یک زن است. این زن خواهر اوست ولی ناهید نمی‌داند. ناهید در دفترچه‌ی خاطراتش در این باره می‌نویسد: «*همشون مثل همند. اینم از آقا مسعود. نرگس ساده دل!*».	ناهید خود را زیرک و نرگس را به دلیل اعتماد و تکیه‌ی عاشقانه‌اش به مسعود ساده دل فرض می‌کند.	فمینیسم اگزیستانسیالیست تنها نظریات خود را قبول دارند اما زنان رمانتیک درست می‌گویند.
8.	نرگس: من از لباس‌هایی که با مدل مردانه‌اند خوشم نمی‌آید.	نرگس دوست ندارد شبیه مردان شود و علاقه‌مند است تا کماکان زنانه باقی بماند.	احترام به تفاوت‌های میان دو جنس در اندیشه‌ی فمینیسم رمانتیک
9.	ناهید تصمیم می‌گیرد تا با ایجادیک صحنه‌ی ساختگی، مسعود را نزد نرگس خائن جلوه دهد.	ناهید ولی برای پیروزی در مسابقه به ایجاد صحنه‌های غیرواقعی روی می‌آورد.	جدال فمینیسم اگزیستانسیالیست با مردان، اندک اندک از حالت فکری خارج شده و حالتی حزبی و صنفی به خود گرفته است.
10.	ناهید: « *زن‌هایی مثل نرگس رو هیچوقت درک نمی‌کنم. نمی‌دونم اسمشو چی بذارم. رمانتیک‌یا ساده لوح. می‌خوام بدونم اگه جلوی من شوهرش رو بایه زن دیگه ببینه چیکار می‌کنه.*» برای همین کار هم تصمیم می‌گیرد با مسعود دریک کافی شاپ قرار ملاقات بگذارد و با رشوه دادن به زنی خیابانی، او را به جای خود به دیدار مسعود بفرستد. آنگاه با طراحی‌یک برنامه، ناهید را به دیدن این صحنه بکشاند.	اشاره‌ی مستقیم به رمانتیک بودن نرگس ناهید ولی برای پیروزی در مسابقه به ایجاد صحنه‌های غیرواقعی روی می‌آورد.	جدال فمینیسم اگزیستانسیالیست با مردان، اندک اندک از حالت فکری خارج شده و حالتی حزبی و صنفی به خود گرفته است.
11.	ناهید خطاب به مسعود: « من باید یک اعترافی را بکنم. نرگس اشتباه می‌کنه. تو حسود نیستی، حسود واقعی منم. کاش‌یه جو احساس خوشبختی را که نرگس در زندگی دارد من هم داشتم. من زن	نرگس احساس خوشبختی می‌کند چون عاشق‌یک مرد است ولی ناهید چون عشقی در زندگی ندارد، احساس	زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست به دلیل دوری از عشق به‌یک مرد، دچار مشکلات و عقده‌های

	بدشانسی‌ام.»	بدشانسی و عدم سلامت روانی (حسادت) می‌کند.	روانی می‌شوند.
12.	مسعود راجع به ناهید: از جمله زن‌هایی بود که هنگامی که توجه مردی را به خود جلب می‌کرد، با بی اعتنایی به او، لذت سادیستیک می‌برد.	ناهید به دلیل شکستی عشقی که تجربه کرده است، قصد دارد از مردان انتقام بگیرد.	مرد آزاری در اندیشه‌ی فمینیسم اگزیستانسیالیست. عدم سلامت روانی در زنان این مکتب.
13.	مسعود خطاب به ناهید: «*ازیک طرف بین این زندگی یکنواخت کوفتی و پر از مسئله و کمبودت با خودت و خواسته‌های قلبی‌ات گیر کرده‌ای، ازیک طرف حس می‌کنی داری به نرگس بد می‌کنی. ولی مگه میشه با احساسات مبارزه کرد؟ بعدا ازیه جای دیگه‌ای بیرون نمی‌زنه؟*»	اگر چه ناهید از مردان متنفر است اما برخی اوقات برای تامین روانی به ارتباط عاطفی با مردان نیاز دارد.	زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست به دلیل دوری از مردان، سلامت روانی خود را از دست می‌دهند. ارتباط بایک مرد، نیاز زن است. نسخه‌های فمینیسم اگزیستانسیالیست، غیرواقع بینانه و غیرآینده نگرانه است.
14.	ناهید خطاب به نرگس: «*کاوه به صورت عجیبی مرایاد لری (همسر اول ناهید) می‌اندازد*»	دلیل تنفر ناهید از مردان، شکستی است که از همسر اولش خورده است.	ریشه‌ی مخالفت فمینیسم اگزیستانسیالیست با مردان، ضربه‌ای است که زنان از مردان خورده‌اند.
15.	ناهید در سرتاسر فیلم افسرده است. بالاخص پس از اجرای نقشه‌اش علیه مسعود. هنگامی هم که پشت چراغ قرمز است انسان‌های مختلف را در اتومبیل‌هایشان می‌بیند. از زن و شوهری که با هم جدال می‌کنند تا زوج جوانی که در ماشین با هم شوخی می‌کنند. در ماشین جلویی هم کودکی که به همراه پدر و مادرش در ماشین نشسته است، از دور خطاب به ناهید رفتارهای بچه گانه انجام می‌دهد. ناهید به این تصاویر دقیق نگاه می‌کند، گاهی هم لبخندی بر لب می‌آورد.	ناهید متوجه می‌شود که زندگی مجموعه‌ای از غم ها، مشکلات و شادی هاست و بایک ناراحتی نباید تصمیم‌های همیشگی گرفت.	نسخه‌ی فمینیسم اگزیستانسیالیست مبنی بر دوری همیشگی از مردان، غیرواقع بینانه است.
16.	هنگامی که نرگس فکر می‌کند مسعود دلبسته‌ی ناهید شده است، بسیار ناراحت می‌شود آنگونه که نمی‌تواند روی پای خود	نرگس عشق‌یگانه‌ی مسعود را می‌خواهد ولی احساس می‌کند که مسعود غیر از او کس	در اندیشه‌ی زن فمینیسم رمانتیک، به مرد معشوق همه‌ی زندگی اوست.

	بایستد. احوال نرگس پس از این فکر بسیار آشفته است.	دیگری را هم دوست دارد.	
17.	مسعود پس از آنکه متوجه می‌شود ناهید و نرگس بر سر او شرط‌بندی کرده‌اند، تصمیم می‌گیرد او هم آن‌ها را بازی دهد. به همین دلیل سعی می‌کند خود را عاشق ناهید جلوه دهد. به همین دلیل در سالروز تولد ناهید دریک رستوران با او قرار می‌گذارد و خود را عاشق او جلوه می‌دهد. ناهید درباره‌ی احساسات آن شبش می‌گوید: *«اون شب، منو و مسعود خیلی حرف زدیم (موضوع حرف‌ها عاشقانه بوده است)، الان نمیشه همشو بنویسم! باید سر فرصت این کارو بکنم. تمرکز ندارم. حس‌های متناقضی دارم لحظه به لحظه عوض می‌شه...یادم نمی‌آید مسعود به من چه گفت، پاک قاطی کردم»*	ناهید با این که از مردان متنفر بود اما در مقابل احساس محبت آنها واکنش نشان داده و از نظر روانی دچار ناهماهنگی می‌شود.	نسخه‌های فمینیسم اگزیستانسیالیست غیرواقع بینانه است و مبتنی بر روحیات زن نبوده و آن‌ها را نادیده می‌گیرد.
18.	ناهید تحت تاثیر ابراز محبت‌های مسعود قرار می‌گیرد و با خود احتمال می‌دهد که بخاطر او هم که شده به کانادا برنگردد. همچنین حاضر می‌شود بدون اینکه نرگس بفهمد با مسعود بماند.	مشخص نیست بدون آگاهی نرگس، به ازدواج اقدام کنندیا ناهید به صورت غیررسمی با مسعود بماند.	مساوی بودن ازدواج و فحشا در فمینیسم اگزیستانسیالیست
19.	ناهید پس از آنکه عاشق مسعود می‌شود و می‌بیند با این کار به زندگی دوست قدیمی‌اش خیانت کرده است تصمیم به خودکشی می‌گیرد.	عاقبت مبارزه‌ی ناهید با احساساتش‌یا عاقبت مردستیزی، عاقبت خوبی نبود.	در فمینیسم اگزیستانسیالیست، در عمل سعادت زن تأمین نمی‌شود.
20.	نرگس اعتماد زیادی به شوهرش دارد. به گونه‌ای که هر چه ناهید برای او حرف می‌زند، ناپاکی شوهرش را نمی‌پذیرد.	شاید این حس اعتماد ناشی از درک حس ششمی زنان است.	تأییدی برای نظرات فمینیسم رمانتیک
21.	نرگس خانه‌داری می‌کند، برای شوهرش غذا می‌پزد و هنگامی که حامد، دوست مسعود در اتومبیل آن‌هاست به احترام او بر صندلی عقب می‌نشیند. اما ناهید به دلیل دوری از مردان و ازدواج نکردن، ابتدا در فیلم به خوشحالی نرگس نیست و در ادامه هم به دلیل وقایعی که در زندگی‌اش بوقوع می‌پیوندد به شخصیتی ناراحت یا افسرده تبدیل می‌شود.	نرگس با الگوهای رایج جنسیتی در جامعه مشکلی ندارد و با عشق به شوهرش در حال لذت بردن از زندگی است اما ناهید به دلیل دعوایی که اکنون صنفی شده است، لذت زندگی را از خود گرفته است.	نسخه‌های فمینیسم رمانتیک در مقایسه با نسخه‌های فمینیسم اگزیستانسیالیست زندگی محورتر است و زن را به لذت بیشتری از زندگی می‌رساند.

خلاصه‌ی جدول 1

در نظرگاه فمینیسم اگزیستانسیالیست، آلودگی جنسی، اقتضای وضعیت جسمانی مردان یا امری گریزناپذیر است. به همین دلیل هم زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست نسبت به مردان سوء ظن دارند که این امر خود مقوله‌ای غیراخلاقی به شمار می‌رود. دلیل این سوء ظن هم سوء استفاده‌هایی بوده است که در طول تاریخ توسط مردان از زنان صورت گرفته است. اما این سوء ظن برای زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست به‌یک امر مبرهن تبدیل شده است. آنان تمامی مردان را شبیه به هم تصور می‌کنند و بنابراین دیگر نیازی به اطلاعات برای اثبات ناپاک دامنی یک مرد خاص وجود ندارد. این امر کم کم آنان را ازیک مبارزه‌ی نظری به مبارزه‌ای حزبی و صنفی کشانده است. چرا که کسب اطلاعات برای قضاوت در موردیک شخص، مرحله‌ی ابتدائی برخورد علمی است.

در آن‌طرف هم زنان فمینیسم رمانتیک، بدون مبارزه با زنانگی خود و با احترام گذاشتن به تفاوت‌های میان جنسیتی، روابط عاشقانه‌ای با شوهران خود دارند و لذت زندگی عاشقانه را از خود نمی‌گیرند (بر خلاف زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست).

تحلیل سطح چهارم (عمیق)

مرحله‌ی عمیق تحلیل ناظر به نوعی تفسیر از سطح سوم تحلیل و تعیین رویکردهای مشابه و متفاوت در این ستون (تحلیل توجیهی) است. در این مرحله با توجه به نتایج به دست آمده، تفسیر کلی مربوط به آن‌ها تحت عناوین یا واژه‌های کلان‌تر که نوعی از رویکرد کلان را ترسیم می‌کند، انجام می‌گیرد. در اینجا به لحاظ اختصار، جدول شماره‌ی 2یعنی مرحله‌ی عمیق، با تعیین دال‌های مرکزی مشترک موارد مرتبط در ستون سوم (تحلیل توجیهی) جدول شماره‌ی 1 به شکل زیر تهیه شده است. به عبارتی دال‌های‌یادشده در این جدول از مقایسه‌ی مواردی که از جدول شماره‌ی 1 آمده است، استخراج شده است.

جدول شماره‌ی 2: مرحله‌ی عمیق

ردیف	دال مرکزی	موارد مرتبط تحلیل توجیهی از جدول شماره‌ی 1
1	از بین رفتن اخلاق در فمینیسم اگزیستانسیالیست	1، 2، 9، 10، 12، 19و بسیاری از موارد دیگر در جدول بالا
2	عاشقانه زیستن بخشی از زنانگی است.	2، 3، 4، 10، 16، 20 و 21 و سایر رفتارهای نرگس در سراسر فیلم و عدم عاشقانه زیستن در ناهید، زن فمینیسم اگزیستانسیالیست (زنی که معتقد است باید زنانگی خود هم مبارزه کند.)
3	مضربودن نسخه‌های فمینیسم	3، 11 تا 13، 15، 17، 19 و 21

	اگزیستانسیالیست	
4	مفید بودن نسخه‌های فمینیسم رمانتیک	4، 11، 15 و 21
5	یگانه خواهی در عشق،یک ویژگی زنانه	2، 16 و 20
6	فمینیسم رمانتیک با ساختارهای معمول جامعه در حوزه‌ی جنسیت و روابط جنسی مشکلی ندارد.	3، 8، 10، 11 و 21

تحلیل سطح عمیق‌تر

در این سطح همانگونه که در بخش روش هم ذکر آن رفت، با استفاده از تحلیل سطح چهارم که مقایسه‌ی سلول‌های جدول (بالاخص در سطح سوم تحلیل) بود، فضای کلی گفتمانی فیلم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این مرحله متن، بینامتنیت و فرامتن، همزمان مورد توجه قرار گرفته و تحلیل نهایی ارائه می‌شود.

همانگونه که در سطوح گوناگون تحلیل فیلم بدان اشاره شد، زنان فمینیسم رمانتیک، به دلیل عاشقانه زیستن و مبارزه نکردن با ذات زنانه‌ی خود، زنانی سالم‌تر به لحاظ روانی هستند. اما زنان فمینیسم اگزیستانسیالیست به دلیل مبارزه‌ای که با خود و مردان دارند و به عبارتی با «طبیعت» مبارزه می‌کنند، نه تنها موفقیتی در مبارزه شان به دست نمی‌آورند که سلامت روانی خود را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهند. همچنین در دعوای خود با مردان که اندک اندک از حالت فکری خارج شده و حالتی صنفی را به خود گرفته است، دست به اقداماتی می‌زنند که زندگی همه‌ی افراد درگیر در این دعوا را در معرض خطر قرار می‌دهد. بدین ترتیب فمینیسم اگزیستانسیالیست پیام آور شادی و سعادت بشری نیست.

اما نسخه‌های فمینیسم رمانتیک، ضامن شادی دو جنس مرد و زن است. نسخه‌های این مکتب فمینیستی بر تعامل میان دو جنس بنا نهاده شده و قصد ایجاد لذت و شادابی برای هر دو جنس و به‌یک معنا تمامی جهان را دارد. به عبارتی دیگر راهبردهای فمینیسم رمانتیک، راهبردهایی هستند که زندگی محور بوده و همخوانی بیشتری با زندگی عادی دارند.

همچنین اگر وجود احساسات را ذاتی وجود زنان دانسته و در نظرگرفتن این احساسات را موجب لذت و شادمان زیستن زنان بدانیم، در آن صورت راهبردهای فمینیسم رمانتیک راهبردهایی هستند که از زنان می‌خواهند «در خلال زندگی» و «از طریق آن» به تأثیرگذاری بر شوهران خود و به طور کلی مردان در زمینه‌ی «زنانه کردن جهان» بپردازند. این زنانه کردن از طریق واردکردن مردان در بازی «عشق» صورت می‌گیرد. در این صورت مردان هم به عنصر احساس - که نزد رمانتیک‌ها بالاتر از عنصر عقل است - عامل می‌شوند و بدین ترتیب زنان و مردان، هر دو بر اساس احساس عمل خواهند کرد. احساساتی که مردان در خلال فرایند

رابطه‌ی عاشقانه با زنان آموخته‌یا کسب کرده اند، خود حالتی زنانه نیز دارد و به زنانه ساختن مردان کمک می‌کند. بدین ترتیب مردان هم احساسات زنانه - که از منظر رمانتیک‌ها بالاتر از عقلانیت است - را پیدا می‌کنند.

نتیجه‌گیری

فیلم «برخورد خیلی نزدیک» تفاوت‌های میان اندیشه و عمل زنان دو مکتب فمینیسم رمانتیک و فمینیسم اگزیستانسیالیست را به تصویر می‌کشد.

این فیلم با بیان اشکالات فکری و عملی زن نماد فمینیسم اگزیستانسیالیست، و در مقابل با به تصویرکشیدن شادی‌ها، شیرینی‌ها و موفقیت‌های زن نماد فمینیسم رمانتیک، اندیشه‌ی فمینیسم رمانتیک را تبلیغ کرده و با نمایش عاقبت بد زندگی اگزیستانسیالیستی، فمینیسم رمانتیک را پیروز جدال این دو مکتب در فیلم معرفی می‌کند. چرا که زن فمینیسم اگزیستانسیالیست را زنی به تصویر می‌کشد که باید برای مبارزه با مردان، از طبیعت و «زنانگی» خویش دست کشیده و زندگی را فدای مبارزه کند، در نهایت هم نه به لحاظ روانی تأمین شده و نه موفق به نابودی مردان شود. اما در مقابل زن فمینیسم رمانتیک، ضمن آنکه با «زنانگی» خود مبارزه نکرده است، ازیک زندگی عاشقانه نیز بهره‌مند بوده و توانسته است مرد مورد نظرش را نیز با خود همراه کند. بدین ترتیب، زن فمینیسم رمانتیک هم در زندگی شخصی خود و هم در زندگی صنفی‌اش پیروز می‌شود اما زن فمینیسم اگزیستانسیالیست هم در زندگی شخصی‌اش شکست می‌خورد و هم در زندگی مبارزاتی‌اش.

این فیلم، همچنین از زبان فمینیسم رمانتیک، دیگر فمینیست‌ها را نیز به اتخاذ راه حل‌هایی دعوت می‌کند که توأم با شیرینی و لذت بوده و امکان زندگی شیرین را برای آنان حتی در حین فعالیت‌های فمینیستی نیز فراهم می‌آورد.

فیلم همچنین تجرد و نیز افراط در روابط جنسی را نفی می‌کند و به عبارتی مخاطبان را به اعتدال، شادی و دوری از افراط و تفریط در مناسبات جنسی دعوت می‌کند.

نسخه‌های فمینیسم رمانتیک - همچنان که در این فیلم می‌بینیم - نسخه‌هایی هستند که به دنبال «اصلاحات نرم» در جامعه‌اند و در مقابل «برخوردهای سخت» فمینیسم اگزیستانسیالیست قرار می‌گیرند. این فیلم با نشان دادن تفاوت‌های پارادایمی این دو مکتب، در دو نوع برخورد «سخت» و «نرم» با مردان درصدد ترویج برخورد نرم زنان با مردان برای تأثیرگذاری بیشتر بر آنان است. به عبارتی فیلم، زنان را به برخورد «زنانه» با مردان دعوت می‌کند.

منابع

- باقری، خسرو (1382) **مبانی فلسفی فمینیسم**، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران.
- بشیر، حسن (1388) «مطالعه‌ی مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی»، نشریه‌ی پژوهش‌های ارتباطی، شماره‌ی 57.
- بلاش آبادی، علی (1388) «تحلیل گفتمان مناظره‌های تلویزیونی انتخابات دهم ریاست جمهوری»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- پاک نیا، محبوبه و مردیها، مرتضی(1388) **سیطره‌ی جنس**، تهران: نشرنی.
- دوبوار، سیمون(1380) **قاسم، جنس دوم**، ترجمه‌ی صنعوی، تهران: نشر توس، چاپ چهارم، جلد دوم.
- دورانت، ویل و دورانت، آریل (1385) تفسیرهای زندگی، ترجمه‌ی مشعری، ابراهیم، تهران: انتشارات نیلوفر. چاپ پنجم.
- طاهری، سیدحمید (1389) «تحلیل گفتمان فیلم‌های تبلیغاتی نامزدهای دهمین دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران - 88»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- فرکلاف، نورمن (1379) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه‌ی گروه مترجمان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
- قمشیان، میثم (1390) «مقایسه‌ی رویکردهای اسلامی و فمینیستی الگوهای جنسیتی سیمای جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل سریال «فاصله ها»»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
- میل، جان استوارت (1385) انقیاد زنان، ترجمه‌ی طباطبایی، علاء الدین، تهران: هرمس، چاپ دوم.
- ون زونن، لیزبت (1383) «رویکردهای فمینیستی به رسانه‌ها»، ترجمه‌ی رئیس‌زاده‌ی لنگرودی، حسن، رسانه، شماره‌ی 57.
- Atkinson, T. -G. (1974). Amazon Odissey. NewYork: Links.
- Bolin, A., & Whelehan, P. (1999). Perspectives on human sexuality. Diane Ganeles.
- Buikema, R., & Dertuin, I. V. (2009). Doing Gender In Media, Art and Culture. New York: Routledge.
- Fay, E. A. (1998). A feminist introduction to romanticism . USA & BRITAIN: Blackwell.
- Loades, A., & Armstrong, K. (1990). Feminist theology: a reader . London: spck.
- Mohan, J. (1997). Existentialism, feminism, and Simone de Beauvoir. Chippenham: Palgrave.
- Roskelly, H., & Ronald, K. (1998). Reason to believe: romanticism, pragmatism, and the possibility of teaching . New York: State University of New York .
- Wood, J. T. (1994). Gendered Lives, Communication, Gender, and Culture. USA: International Thomson Publishing.